

عصر جمعه‌ها

نویسنده: فرزاد قائمی

قائمی، فرزاد

عصر جمعه ها / نویسنده فرزاد قائمی، مشهد: کاتبان، ۱۳۸۴.

۱۹۲ص.

ISBN: 964-7140-11-8

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

۱. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ _ داستان ۲. داستانهای

کوتاه فارسی _ قرن ۱۴، الف. عنوان.

ع ۳۵۲ ق ۶۲ / ۸۴۳

ع ۱۷۸۶ الف / ۸۱۷۴ PIR

۱۳۸۴

۱۳۸۴

۸۴-۱۰۳۵۳م

کتابخانه ملی ایران

انتشارات کاتبان



عصر جمعه ها

نویسنده: فرزاد قائمی

ناشر: کاتبان ۷۲۴۴۴۳۴ - ۰۵۱۱

چاپ: ابرار مشهد ۷۲۶۱۰۹۵ - ۰۵۱۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۱۴۰-۱۱-۸

به اهتمام سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی

فهرست :

صفحه:	عنوان:
۵.....	دیباچه.....
۹.....	۱- صادقانه.....
۳۲.....	۲- پس از پیروزی.....
۴۰.....	۳- سارا.....
۵۱.....	۴- فرزندان باران.....
۵۹.....	۵- عصر جمعه ها.....
۶۸.....	۶- از جنس حسین.....
۷۳.....	۷- رقابت.....
۷۷.....	۸- دست غیبی.....
۸۳.....	۹- شب عملیات.....
۸۷.....	۱۰- مراسم فامیلی.....
۹۰.....	۱۱- یک آدم دیگر.....
۹۶.....	۱۲- سیب.....
۱۰۳.....	۱۳- عکس و میدان.....
۱۰۹.....	۱۴- درد عشق.....
۱۱۶.....	۱۵- شماره نود و سه.....
۱۲۳.....	۱۶- زندگی زیباست !.....
۱۲۹.....	۱۷- گمشده.....
۱۳۵.....	۱۸- بیسکویت.....
۱۳۹.....	۱۹- مترجم.....
۱۴۴.....	۲۰- به کسی نگو.....

۱۴۹.....	۲۱- وضو در خون.....
۱۵۴.....	۲۲- حرفهای عباس.....
۱۵۸.....	۲۳- تک ستاره.....
۱۶۴.....	۲۴- میاهی لشگر.....
۱۶۸.....	۲۵- خواب ابدی.....
۱۷۳.....	۲۶- با چشمهای بسته.....
۱۷۷.....	۲۷- فرمانده یعنی.....
۱۸۱.....	۲۸- همه این سالها.....
۱۸۷.....	۲۹- نقشی دیگر.....

هو العظيم

دیباچه:

پرداختن به مقوله جنگ در ادبیات، نوعی از انواع ادبی را تشکیل می دهد که یکی از اصیلترین و قدیمترین حوزه های ادبی را فرا می گیرد. ادبیات حماسی که ریشه در دوران حکمفرمایی اساطیر بر اندیشه انسان دارد، از مهمترین انواع ادبی ادبیات باستان به شمار می آید که با رویکرد شکل گیری هویت قومی و ملی و ستایش پیوند های جمعی و بیزاری جستن از اقوام متخاصم بوجود آمده است .

دوره ادبیات حماسی سپری می شود، اما جنگها همچنان تاریخ و تمدن انسانی را تحت تاثیر قرار می دهند و نگاه و فکر متفاوتی که بر انسان سده های نوین حاکم است، نوع جدیدی را در انواع

ادبی به بار می نشانند که "ادبیات جنگ" است. ادبیاتی که طعم تلخ تهاجم را با لحظه های احترام برانگیزی از دفاع در خود قرین کرده است.

مهم نیست که در این گونه از ادبیات چه نوع نگاهی نسبت به پدیده جنگ وجود داشته باشد و آفریننده اثر ادبی با کدام پیش زمینه ذهنی وارد چنین کارزاری شود، بلکه مهم روح مستقل اثر ادبی است که نه ادبیات را به حوزه جنگ، که جنگ را به وادی ادبیات می کشاند.

حساسترین لحظه های انسانی و نابترین احساسات دینی و میهنی، در چنین ادیبی عینیت یافته اند و شاهکارهای پرفروغی بر قله های تاریخ ادبیات جهان به چشم می خورند که از این حوزه سر بر آورده اند.

ادبیات جنگ پیامد از این پدیده عظیم است. ما نیز چنین واقعیتی را با تمام وجود و در انگاره ای از حماسه و تقدیس پشت سر گذاشته ایم؛ اما چرا ادبیات جنگ، پس از گذشت اینهمه سال، هنوز نتوانسته است، هویت مستقل و برجسته ای برای خود مهیا کند؟

شاید یکی از مهمترین دلایل، نگاه ابزاری به ادبیات باشد که گاه آنرا در حد قالبی برای بیات معانی خاص محدود می کند و این محتوا گرایی صرف و غافل شدن از پرداخت ساختار و شکل ادبی مستقل، مانع شکل گیری کارکردی کاملاً ادبی می گردد که تنها برای بیان مفاهیمی کوتاه از جنگ طراحی نشده باشد، بلکه بتواند تصویری جاودانه و کامل از جنگ ارائه دهد. فراموش نکنیم، ادبیات

مهمترین خاستگاه برای ماندگار کردن بخشهایی از تاریخ است.

من مدعی نیستم که مجموعه "عصر جمعه ها"، توانسته است تمام شاخصهای ساختاری ادبیات جنگ را در خود جمع کند؛ اما معتقدم، در نگارش قصه های این مجموعه تلاشی آگاهانه داشته ام، تا برای ساختار روایی داستانها از بیانی ادبی و زبانی فرا هنجار بجوم. قهرمانها و شخصیتها و گاه حتی قصه ها بر آمده از واقعیتند، اما این واقعگرایی در لایه های درونی اثر مستور مانده است و سعی کرده ام، در باز آفرینی وقایع، آنها را به لافه هایی از تخیل زنده و خلاق ادبی آراسته گردانم. اینکه تا کجا موفق بوده ام و کجا را به بیراه رفته ام، حدیثی است که به اهل نظر وا می گذارم.

اما امیدوارم، در ارتباط با لحظه های ناب حیات جاودانه قهرمانانی که برگهایی سبز را بر تاریخ این سرزمین به یادگار گذاشته اند، روایتگری الکن نبوده باشم. هر چند، در میان امواج آتش و خون، گاه لحظه هایی را جسته ام که قلم شرمسازانه از نقاشی اعجازی که در آن نهفته بوده، باز مانده است.

و در خاتمه، باید سپاسگذار باشم، از معاونت پژوهش و تبلیغات بنیاد شهید انقلاب اسلامی خراسان و همه آنانی که در طول پنج سالی که فرآیند نگارش و طبع داستانهای این مجموعه به درازا انجامید، مرا در جمع آوری خاطرات و وقایع و یافتن ردپای لحظه های نابی از گذشته یاری کردند و منابعی گرانبها را در اختیار من گذاشتند. کسانی که نامشان اگر چه در این مقال نمی گنجد اما یادشان در خور اعتناست.

و در پایان، صمیمانه ترین سپاسها را تقدیم معلم، مراد و پدرم،

جناب آقای " احمد قائمی "، می دارم که در نگارش و جمع آوری
قصه های این مجموعه، همچون لحظه لحظه زندگی، مرا استاد و
یاوری دلسوز و صبور بوده است.
امید است؛ آنچه به گریه قلم بر بیاض جان آورده ام، مقبول نظر
صاحبان راستین این حماسه جاودانه باشد.

مشهد، هجده اسفند هزار و سیصد و هشتاد و سه،
فرزاد قائمی